

حقوق اسرای جنگی در پرتو حقوق بشردوستانه

علی محبی^۱

پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۱۱/۱۰

دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۹/۰۹

چکیده

یکی از آثار جنگ‌ها و نبردهای مسلحانه، گرفتارشدن عده‌ای از رزمندگان نیروهای درگیر، در دست طرف مقابل است که با عنوان اسیر جنگی شناخته می‌شوند. سابقه تاریخی در برخورد و رفتار با اسیران جنگی حاکی از ظلم و ستم همراه با اذیت و آزار، قتل و کشتار بوده است. پرسش تحقیق حاضر است که آیا حقوق اسرای جنگی در مقررات بین‌المللی مورد پیش‌بینی قرار گرفته است؟ پاسخ این پرسش به‌عنوان فرضیه پژوهش این است که مطابق اصول و قواعد حقوق بشردوستانه، در حوزه آموزه‌های حقوق بین‌الملل عمومی، مقرراتی در عرصه نبردهای مسلحانه پیش‌بینی شده است که حقوق اسرای جنگی را مورد تصویب قرار داده و اجرای آن را توصیه و تأیید می‌کند. از جمله مقرراتی که در عرصه بین‌المللی در این زمینه پیش‌بینی شده است، کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو در سال ۱۹۴۹ است که از این میان، کنوانسیون سوم ژنو به‌طور خاص به حقوق اسرای جنگی می‌پردازد. اجرای کنوانسیون‌های سوم ژنو در کنار پروتکل‌های الحاقی اول و دوم می‌تواند حقوق اسرای جنگی را تضمین کند.

واژگان کلیدی: حقوق، اسرای جنگی، حقوق بشردوستانه، کنوانسیون سوم ژنو.

۱. عضو هیئت‌علمی، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی همدان، همدان، ایران

مقدمه

هنگامی که دفتر تاریخ بشریت را ورق می‌زنیم، زمانی نیست که از جنگ و خونریزی سراغ نبوده باشد. صفحات تاریخ مملو از داستان‌های جنگ و درگیری انسان‌هاست و گویا زندگی در گذر تاریخ با جنگ و نبرد عجین شده است. به‌راستی چرا ابنای بشر نمی‌توانسته‌اند بدون جنگ و در سایه صلح و آرامش زندگی کنند؟ آدمی چه ویژگی دارد که باعث می‌شود صلح و دوستی از زندگی او رخت بر بندد؟ باوجود اینکه نوع انسان‌ها از لحاظ فطری، به صلح و آشتی گرایش داشته و از جنگ و خونریزی نفرت دارند، نمی‌توان برهه‌ای از تاریخ بشر را یافت که بدون جنگ و درگیری سپری شده باشد. چه‌بسا جنگ‌ها حاصل قدرت‌طلبی حاکمان و گاه اختلاف‌های جزئی بوده است که می‌شد با گفت‌وگو و مذاکره حل شود، ولی با درک‌نکردن موقعیت و وضعیت کشور، مسائل و موضوعات بین‌المللی در نهایت منجر به جنگ و درگیری می‌شود.

از جمله قربانیان جنگ بین کشورهای متخاصم، اسیرانی هستند که به دست طرف پیروز درگیری گرفتار می‌شوند و از آنجا که نیروی رزمی کشور مقابل، دشمن تلقی می‌شود، بعید نیست از طرف اسیرگیرنده مورد اذیت و آزار قرار گیرند. بدین ترتیب باید دید رفتار با شخصی که در مخاصمه و درگیری در بند دشمن گرفتار شده، چگونه است؟ آیا می‌توان چنین شخصی را مورد حمایت قرار داد؟ آیا حقوق اسیران جنگی در عرف بین‌الملل تضمین شده است؟

واژه اسیر صرف‌نظر از مفهوم حقوقی آن، کسی است که با تمام توان با کشوری که اکنون در دست نیروهای نظامی آن به دام افتاده است، به جنگ پرداخته و تا آخرین لحظات و با تمام توان خود به سربازان دشمن حمله‌ور شده و قصد از بین بردن آن‌ها را داشته است، ولی اکنون به اسارت آن‌ها درآمده است. دشمن نیز به نیت و اعمال چنین کسی، اشراف کامل دارد. بدون هیچ شک و تردیدی حس انتقام‌گیرنده از اسیر که اگر تا چندی پیش در میدان نبرد با وی مواجه می‌شد به راحتی جانش را می‌گرفت، اکنون از درون با چالش بزرگی روبه‌رو شده است. از یک سو حس انتقام و از بین بردن دشمن و از سوی دیگر حس انسان‌دوستی. ترحم به کسی که در اوج ذلت و ناتوانی به سر می‌برد و کشتن یا اذیت و آزار وی، افتخار تلقی نمی‌شود و مقررات جنگ، اصول انسانی و حقوق بشر دوستانه، رفتار ناشایست و به دور از فطرت سلیم را روا نمی‌دارد. پس با چنین افرادی چگونه

باید برخورد کرد؟ چگونه حس انتقام را کنترل و به یکباره دشمنی را فراموش کرد؟ چگونه به او غذا داد و آذوقه رساند؟ به چه ترتیب دردهای جسمی و روحی او را درمان کرد؟

سابقه تاریخی، چهره موجهی از رفتار حکومت‌ها با اسرای جنگی ارائه نمی‌دهد و جای بسی تأسف است که از نظر تاریخی در شیوه برخورد با اسرای جنگی نقطه سیاهی وجود دارد. رفتار ظالمانه و حاکی از درد و رنج با این گروه در دو جنگ جهانی اول و دوم، جامعه بین‌الملل را بر آن داشت تا در رابطه با حقوق اسیران جنگی دست به کار شوند و در سایه اصول و قواعد حقوق بشردوستانه، قوانین و مقرراتی را به تصویب برسانند. نتیجه این تلاش‌ها در کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو در سال ۱۹۴۹ متجلی شد. یکی از این کنوانسیون‌ها که به طور ویژه، به پیش‌بینی حقوق اسرای جنگی پرداخته است، به طور جامع و کامل حقوق اسیران را در نظر گرفته است و اگر به اجرا گذارده شود، تضمینی اساسی تلقی می‌شود. در این نوشتار تلاش شده است تا حقوق عمده و اساسی اسیران جنگی در پرتو حقوق بشردوستانه مورد بحث و بررسی قرار گیرد؛ هرچند این حقوق در کنوانسیون سوم ژنو بسیار بیش از مقوله‌هایی است که در این مقاله تبیین شده است، زیرا در این مختصر مجال بررسی تمامی حقوق اسرای جنگی وجود ندارد و تنها حقوق اساسی و عمده در این حوزه تبیین و تشریح می‌شود.

۱. مفهوم حقوق بشردوستانه، اسیر و پیشینه تاریخی

۱-۱. مفهوم و تعاریف حقوق بشردوستانه

در ابتدا لازم است جایگاه بحث مشخص شود؛ در واقع باید دید حوزه مباحث حقوق بشردوستانه کدام‌یک از رشته‌های حقوقی است؟ بی‌شک حوزه بحث حقوق بشردوستانه «حقوق بین‌الملل عمومی» است. حقوق بین‌الملل مجموعه قواعد و مقرراتی است که بر جامعه بین‌المللی حاکم است، جامعه بین‌الملل تحت پوشش سلسله قواعد حقوقی قرار داشته و متعهد به رعایت و اجرای کامل آن‌هاست. «اصطلاح حقوق بین‌الملل» برگرفته از اصطلاح لاتین «Jusgentium» است، اما معنایی متفاوت دارد. این اصطلاح که در روم باستان در مقابل اصطلاح «Juscivile» قرار داشت، به قواعدی گفته می‌شد که در عین آنکه به روابط میان کشورها از هر نوع، اعم از خصوصی یا عمومی مربوط می‌شد، غیرشهروندان یا بیگانگان را نیز دربرمی‌گرفت. نخستین و قدیمی‌ترین کتابی که فهرستی از

اساسی‌ترین قواعد و مقررات مربوط به حقوق جنگ در آن به کار رفته است، مربوط به هوگو گروسیوس هلندی است (ضیائی‌بیگدلی، ۱۳۸۸: ۱۳).

حقوق بشردوستانه به‌عنوان مکمل حقوقِ توسل به زور و حداقل برای محدودساختن پیامدهای غیرانسانی آنچه از صافی حقوقِ توسل به زور عبور کرده است، ضرورت حیاتی دارد (Greenwood, 2016: 13). حقوق جنگ در حقوق بین‌الملل سنتی به دو شاخه «حقوق بر جنگ»^۱ و «حقوق در جنگ»^۲ تقسیم شده است. حقوق بر جنگ یا همان حقوق بشردوستانه مجموعه قواعد و مقرراتی است که هدف آن مهار خشونت و کاهش درد و رنج بشری قربانیان و افراد غیرمتخاصم و محدودیت‌های نظامی در شیوه‌ها و ابزارهای جنگی در خلال جنگ‌های مسلحانه بین‌المللی و غیربین‌المللی است. حقوق در جنگ بدون توجه به علت و انگیزه‌های وقوع جنگ، و مشروعیت یا عدم مشروعیت آن، قواعد حمایت از افراد انسانی و رفتار فردی متخاصم را تدوین می‌کند. حقوق بشردوستانه در مفهوم مرسوم خود، کاهش آلام انسان‌ها و محدودکردن دامنه ویرانگری جنگ است (مجاهدی‌فر، ۱۳۸۶: ۸۷).

مقررات حقوق بشردوستانه ریشه در تاریخ دارد، زیرا از ابتدای حیات جوامع بشری تاکنون همواره جنگ بین انسان‌ها وجود داشته و تابع نوعی مقررات بوده است؛ حتی در لوح حمورابی قواعدی در مورد نحوه هدایت درگیری‌ها آمده است (ضیائی‌بیگدلی، ۱۳۹۲: ۲۸). ایجاد حقوق بشردوستانه بین‌المللی در طول تاریخ، تحت تأثیر مفاهیم مذهبی و نظریه‌های فلسفی بوده است. قواعد عرفی مرتبط به جنگ، بخشی از نخستین قواعد حقوق بین‌المللی هستند. با وجود این، تحول از قواعد حقوق عرفی اولیه تا نخستین اصول بشردوستانه مکتوب مربوط به هدایت جنگ، با برخی موانع روبه‌رو بوده است (گرین‌وود، ۱۳۹۵: ۳۶-۳۵).

به‌طورکلی حقوق بشردوستانه اعمال محدودیت‌هایی در ابزارها و حمایت از قربانیان در مخاصمه‌های مسلحانه است؛ بدین معنی که در وهله نخست در هنگام ورود به جنگ باید چه شیوه‌ها و کارهایی را اعمال کرد و چه شیوه‌ها و کارهایی را نباید انجام داد (موسوی، ۱۳۹۴: ۳۵). در تعریفی بسیار مختصر از حقوق بشردوستانه آمده است: «حقوق بشردوستانه بین‌المللی شامل

۱. Jus ad bello

۲. Jus in bello

مجموعه‌ای از قواعد بین‌المللی است که هدف آن، محدودکردن آثار جنگ نسبت به مردم و اهداف جنگی است» (کمیته ملی حقوق بشردوستانه، ۱۳۸۳: ۲۹). در تعریف دیگری می‌خوانیم: «حقوق بشردوستانه، شاخه‌ای از حقوق بشر است که در منازعه‌های مسلحانه بین‌المللی و در برخی اوضاع و احوال معین و محدود در منازعه‌های مسلحانه داخلی مورد استفاده قرار می‌گیرد» (سلیمی، ۱۳۸۲: ۳۱۷). در تعریف مفصل‌تری نیز آمده است: «حقوق بشردوستانه، اصول و قواعدی است که استفاده از خشونت را در زمان منازعه‌های مسلحانه محدود می‌کند و هدف آن عبارت است از: حمایت از افرادی که مستقیم درگیر جنگ نیستند یا دیگر درگیر جنگ نیستند؛ یعنی بیماران، زخمی‌ها، کشتی‌شکسته‌ها، اسیران، و افراد غیرنظامی. همچنین است محدودکردن آثار خشونت در جنگ برای دستیابی به اهداف جنگ، پرهیز از انتقام‌جویی و آزار و اذیتی که تأثیری بر اهداف جنگ ندارند» (مهرپور، ۱۳۸۳: ۲۴۸).

مداخله‌های بشردوستانه، معمولاً برای نجات جان اتباع یک کشور در کشور دیگر یا برای کمک به افرادی که تحت نقض فاحش حقوق بشر هستند، صورت می‌پذیرد (شفیعی، ۱۳۷۵: ۲۰). در تعریفی بسیار مختصر از حقوق بشردوستانه آمده است: «به مجموعه‌ای از اصول و قواعدی که در کنوانسیون‌های چهارگانه و پروتکل‌های الحاقی آمده است، حقوق بشردوستانه بین‌المللی گفته می‌شود» (رضائیان، ۱۳۸۳: ۲۵)؛ و یا اینکه: «حقوق بشردوستانه بین‌المللی شامل مجموعه‌ای از قواعد بین‌المللی است که هدف آن، محدودکردن آثار جنگ نسبت به مردم و اهداف جنگی است» (کمیته ملی حقوق بشردوستانه، ۱۳۸۳: ۲۹). نویسنده دیگری بر این اعتقاد است که حقوق بین‌الملل بشردوستانه یکی از شاخه‌های اصلی حقوق بین‌الملل عمومی و مجموعه قواعد قراردادی و عرفی است که به طور خاص، به مشکلات انسانی ناشی از مخاصمه‌های مسلحانه می‌پردازد، و هدف آن محدودکردن طرفین مخاصمه‌ها از نظر به‌کارگیری روش‌ها و ادوات جنگی و درعین حال حمایت از اشخاص و اموال در زمان جنگ است (روحانی، ۱۳۹۰: ۱۴).

با توجه به تعاریف گفته‌شده می‌توان بر این عقیده بود که حقوق بشردوستانه مجموعه‌ای از اصول و قواعد مبتنی بر حقوق معاهدات و حقوق عرفی حاکم بر مخاصمه‌های مسلحانه به منظور سازمان‌دهی، نظارت و رعایت تضمین‌های قابل‌اجرا، با هدف جلوگیری از آثار نامطلوب ناشی از جنگ و حمایت از قربانیان درگیری‌های مسلحانه است.

۲-۱. اسیر

در کنوانسیون سوم ژنو، اسرای جنگی تعریف نشده‌اند و تنها به معرفی افرادی که از حقوق مندرج در این کنوانسیون برخوردارند، اکتفا شده است (ضیائی‌بیگدلی، ۱۳۸۸: ۲۵۰). هریک از نیروهای طرف‌های محاصمه که سلاحش را به زمین گذاشته است و وسیله‌ای برای دفاع از خود ندارد، تسلیم شده است یا به هر دلیلی قادر به نبرد یا دفاع از خود نیست، نباید هدف حمله قرار گیرد و باید اسیر نامیده شود؛ بنابراین از لحظه آغاز اسارت تا خاتمه آن و بازگشت به میهن، جان، مال، سلامت روحی و جسمی، شرافت و حیثیت آنان محترم و تحت حمایت است (داعی، ۱۳۸۷: ۶۶). اصطلاح «اسیر جنگی» که در عهدنامه ۱۹۲۹ به کار گرفته شده بود، در عهدنامه سوم ژنو و مقررات بین‌المللی پس از آن حذف و به جای آن از اصطلاح «زندانی جنگی» استفاده شد؛ بدین دلیل که با قید اصطلاح «زندانی جنگی» اعضای نیروهای نظامی را که تسلیم شده‌اند، اما اسیر نمی‌شوند و وضعیت اسیران جنگی جنگ جهانی دوم را نیز نیافته‌اند، شامل شده و آنان نیز بتوانند از وضعیت اسیران جنگی برخوردار شوند (ضیائی‌بیگدلی، ۱۳۹۳: ۱۴۰). در ادبیات حقوقی فارسی از آنجاکه اصطلاح «زندانی جنگی» متداول و معمول نیست، در اینجا از اصطلاح «اسیر جنگی» استفاده می‌شود.

۳-۱. سابقه تاریخی

در جریان جنگ‌ها در طول تاریخ، فاتح جنگ می‌توانست دستور اعدام جمعی اسرا را صادر کند که البته این امر بیشتر به خاطر ایجاد وحشت یا ارضای انگیزه‌های درونی بود؛ در غیر این صورت نیروهای غالب، اسرا را به‌عنوان بخشی از اموال منقول به تملک خود درمی‌آوردند (وکیلی، ۱۳۷۴: ۸۷). فرد اسیر بسیاری از وسایل ضروری زندگی را از دست داده و از نظر مکان، غذا، لباس و بهداشت در تنگناست و در معرض تهدید جدی گرسنگی، بیماری و مرگ قرار می‌گیرد (امانی‌زاده، ۱۳۹۳: ۲۲). رفتار غیرانسانی نسبت به اسیران جنگی تا قرن‌ها ادامه داشت و متأسفانه عقاید علمای حقوق بین‌الملل (مخصوصاً علمای غربی) توجیه‌کننده این اعمال بود. گروسوس که به‌عنوان بنیان‌گذار حقوق بین‌الملل معروف است، نظرات جالب‌توجهی در این باره دارد: «سرنوشت اسیران جنگی شبیه بردگان است». «کسی که در جنگ اسیر می‌شود، حق فرار ندارد» (رشید، ۱۳۵۳: ۱۶۸)؛ بالاخره «تنها در پایان قرن هفدهم یعنی پس از جنگ‌های سی‌ساله مذهبی در اروپا بود که تعریف

اسیر جنگی از نظر حقوقی مشخص شد» (ضیائی بیگدلی، ۱۳۹۳: ۸۴).

در دوران باستان و قرون وسطی مفهوم اسیر جنگی به معنا و مفهوم امروزی وجود نداشت. اسیران جنگی محکوم به قتل، بردگی و اسارت بودند. بردگی اسیران بدین ترتیب بود که آنان از لحاظ مالی و جانی در اختیار شخص گیرنده و یا مقامات نظامی کشور اسیرگیرنده بوده و آنها به هر نحو که میل و اراده می‌کردند، با اسیران رفتار می‌کردند (علیزاده، ۱۳۹۶: ۳۴).

بر اثر تفکرات روشن و جهت‌دهنده، جهان متمدن بالاخره این اصل مهم را پذیرفت که اسیران جنگی جنایتکار نیستند، بلکه صرفاً دشمنانی هستند که دیگر قادر به جنگ نبوده و در پایان مخاصمه‌ها باید به سرعت و بدون هیچ‌گونه آزار و اذیت یا گروکشی آزاد شوند و در هنگام اسارت نیز باید مورد احترام باشند. همچنین لازم است شخصیت و کمال انسانی آنها حفظ شود و با آنان رفتاری انسانی داشت (علیزاده، ۱۳۹۶: ۲۵).

تخمین زده می‌شود از مجموع ۵/۷ میلیون نفر اسیر جنگی شوروی سابق که در اسارت آلمان بودند، ۳/۳ میلیون نفر آنها از بین رفته باشند و از سه میلیون نفر اسیر جنگی آلمانی که در اردوگاه‌های شوروی، بودند نیز تقریباً یک میلیون نفر در زمان اسارت جان باخته باشند. بخش اعظم مرگ‌ومیر اسیران جنگی آلمانی به‌ویژه در اردوگاه‌های شوروی ناشی از فقدان مراقبت و نیز راهپیمایی‌های مرگبار از میدان‌های جنگ به محل‌های نهایی نگهداری اسیران و کار اجباری تحت شرایط زیان‌بار برای حیات بوده است (Fishe, 2001: 423).

۲. حقوق اساسی اسرای جنگی

۲-۱. رفتار انسانی با افراد خارج از صحنه نبرد

کرامت انسانی همان نزاهت از پستی و فرومایگی است. کریم، غیر از کبیر و عظیم است. کریم معنایی دارد که شاید در فارسی معادل بسیط نداشته باشد؛ از این رو اگر بخواهیم کلمه کریم را به فارسی ترجمه کنیم، باید چند کلمه را کنار هم بگذاریم تا معنای کریم روشن شود (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۲۱). به عبارت بهتر می‌توان گفت معنای اصطلاحی کرامت انسانی عبارت است از اینکه انسان بما هو انسان، عزیز و شریف و ارجمند است؛ و نیز در تدوین حقوق بشر، آنچه معنای اصلی قرار گرفته، ملاحظات انسان است از آن حیث که انسان است، نه معیارهایی چون رنگ، نژاد، زبان،

جغرافیا، طبقه اجتماعی، اعتقاد دینی و غیره (عباسی، ۱۳۹۵: ۱۰). قرآن کریم درباره کرامت انبای بشر این چنین می‌فرماید: ما فرزندان آدم را بسیار گرامی داشتیم و آنها را به مرکب بر و بحر سوار کردیم و از هر غذای لذیذ و پاکیزه‌ای آنها را روزی دادیم و بر بسیاری از مخلوقات خود برتری و فضیلت بخشیدیم. در واقع این آیه به بهترین وجه ممکن، توصیف‌کننده معنای کرامت انسانی مورد نظر در اسلام است (اسراء: ۷۰). تعهد به رفتار انسانی با اسرای جنگی پیش از این نیز پیش‌بینی شده بود. لزوم رفتار انسانی نسبت به غیرنظامیان و افراد خارج از نبرد در ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های ژنو و همچنین در مقررات ویژه کنوانسیون‌های چهارگانه مقرر شده است.^۱ این الزام به منزله ضمانتی اساسی در هر دو پروتکل الحاقی اول و دوم به رسمیت شناخته شده است.

کمیته حقوق بشر در نظریه عمومی درباره ماده ۴ میثاق بین‌المللی مدنی و سیاسی، ماده ۱۰ میثاق را مورد استناد قرار داده است که مقرر می‌دارد لزوم رفتار انسانی و احترام به کرامت ذاتی اشخاصی که از آزادی محروم شده‌اند، اصلی تعلیق‌ناشدنی و در تمامی احوال قابل اعمال است.^۲ اسیران جنگی در همه احوال، ذی‌حق به حرمت شخص و شرافت خویش هستند. باید با زنان با کلیه احترام‌هایی که لازمه جنس آنان است رفتار شود و در هر حال باید از همان معامله مساعدی که در حق مردان اعطا می‌شود، برخوردار شوند (ماده ۱۴ کنوانسیون سوم ژنو). با اسیران جنگی باید در هر زمان با انسانیت رفتار شود. هر عمل یا غفلت غیرموجه از سوی دولت بازداشت‌کننده که موجب فوت اسیر جنگی شود یا سلامت او را به شدت در خطر اندازد، ممنوع است و در حکم تخلف مهم از این قرارداد شمرده خواهد شد (ماده ۱۳ کنوانسیون سوم ژنو). رفتار غیرانسانی یا غیرشرافتمندانه با اسیران جنگی ممنوع است (مواد ۱۳ و ۱۴ کنوانسیون سوم ژنو). هرگونه تبعیض بر اساس نژاد، ملیت، عقاید مذهبی یا نظرات سیاسی یا معیارهای مشابه غیرقانونی است (ماده ۱۶ کنوانسیون سوم ژنو). مقابله به مثل علیه اسیران جنگی ممنوع است (بند سوم ماده ۱۳ کنوانسیون سوم ژنو). افسران، زنان و سالخورده‌گان باید از رفتار ترجیحی برخوردار باشند (داعی، ۱۳۷۸: ۶۷). فعل یا ترک فعلی که منجر به مرگ یا به خطر افتادن شدید سلامتی اسیران جنگی می‌شود، نقض اصل رفتار انسانی تلقی می‌شود (Fisher, 2016: 428).

۱. کنوانسیون‌های ژنو، ماده ۳ مشترک؛ کنوانسیون اول ژنو، ماده ۱۲، بند اول؛ کنوانسیون دوم ژنو، ماده ۱۲، بند اول؛

کنوانسیون سوم ژنو، ماده ۱۳؛ کنوانسیون چهارم ژنو، مواد ۵ و ۲۷، بند اول.

۲. کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد، نظریه عمومی شماره ۲۹ (ماده ۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی)

برخلاف کنوانسیون‌های بین‌المللی و مقررات آن، در گزارش‌های کمیته بین‌المللی صلیب سرخ درباره شرایط نگهداری اسرای ایرانی در اردوگاه‌ها عراق آمده است: «در ششم مارس ۱۹۸۴، ۴۷۰ اسیر به بازداشتگاه موصل ۳ منتقل شدند. نگهبانان، اسیران تازه‌وارد را به پشت اتاق یک منتقل کردند. در آنجا نگهبانان، ابتدا اسیران ایرانی را به نوبت بالای سر بلند کرده و به زمین می‌کوبیدند. سپس با مشت و لگد آن‌ها را مورد ضرب و شتم قرار می‌دادند. در این حادثه دو اسیر چشم خود را از دست دادند».^۱ رفتار غیرانسانی با مقامات رسمی بازداشت‌شده ایرانی (تندگویان و همراهان)، و بازداشت پزشکان و بهیاران و اعضای سازمان هلال احمر و انتقال آنان به سلول‌های انفرادی زندان‌های عادی عراق، نمونه‌های دیگری است که در گزارش‌های بین‌المللی به آن اشاره شده است.^۲

۲-۲. ممنوعیت حمله به افراد خارج از صحنه

منع حمله به فرد «خارج از صحنه نبرد» تسری به تمام شرایط جنگی دارد و حتی در شرایطی که تخلیه اسرا دشواری‌هایی را در این زمینه پیش می‌آورد، باز باید این قاعده مراعات شود. برای مثال، اگر یک واحد گشتی کوچک در نقطه‌ای دورافتاده، رزمنده‌ای را به اسارت درآورد، باز باید با تلاش به خلع سلاح او شرایطی را پیش آورد که تخلفی از ممنوعیت حمله به شخص خارج از صحنه نبرد صورت نگیرد. این قاعده در پروتکل الحاقی اول، ماده ۴۱ بند سوم و بسیاری از دستورالعمل‌های نظامی به صراحت آمده است. دستورالعمل ایالات متحده آمریکا در ارتباط با میدان جنگ چنین است (هنکرتز و دوسوالدبک، ۱۳۹۸: ۲۷). در پروتکل الحاقی اول و بسیاری از دستورالعمل‌های نظامی، تأکید شده است که حفاظت از اسرای آزادشده امری الزامی است و باید همه‌گونه اقدامات احتیاطی لازم در این باره صورت پذیرد (پروتکل الحاقی اول، ماده ۴۱ بند سوم).

۲-۳. منع تبعیض ناروا نسبت به افراد خارج از صحنه

منع اعمال تبعیض ناروا در رفتار با غیرنظامیان و افراد خارج از صحنه نبرد در ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های ژنو و همچنین در کنوانسیون‌های سوم (ماده ۱۶) و چهارم (ماده ۱۳) ژنو مقرر شده

۱. ICRC Report on Visit to Prisoner of War Camp 4 [Mosul, 23, 24 & 25 May 1984, at para 20].

۲. Report of a Mission Dispatched by the Secretary-General on the Situation of Prisoners of War in the Islamic Republic of Iran and Iraq, January 1985, at para. 103 & 105.

است. مفهوم «تبعیض ناروا» متضمن این معنی است که اگرچه تبعیض میان افراد منع شده است، اما جهت تعیین اولویت در تشخیص نیاز اضطراری اشخاص، باید به مراتب افراد توجه لازم شود و از این نظر تمایزی میان آنان قائل شد. در اعمال این اصل، نباید هیچ تمایزی میان افراد مجروح، بیمار و کشتی شکستگان - بنا به هر دلیلی غیر از دلیل پزشکی - قائل شد. حوزه عمل دیگر این مفهوم را می‌توان در ماده ۱۶ کنوانسیون سوم ژنو یافت که «با توجه به مقررات کنوانسیون حاضر در خصوص درجه و جنس و همچنین با در نظر داشتن مزایایی که ممکن است به دلیل شرایط جسمی، سن یا موقعیت حرفه‌ای بدیشان اعطا شود»، مقرر می‌دارد رفتار با تمامی اسرای جنگی باید یکسان صورت پذیرد. هیچ قاعده‌ای را نمی‌توان یافت که بر مبنای آن اعمال تبعیض، قانونی جلوه‌گر شود و هیچ دولتی نیست که ادعا کند استثنائاتی از این دست وجود دارد.

۴-۲. مسئولیت قدرت بازداشت‌کننده در قبال اسرای جنگی

اسیران جنگی، اسیران واحد اسیرکننده نیستند، بلکه اسیر دولتی هستند که واحد اسیرکننده در زمره نیروهای مسلح آن تلقی می‌شود. قدرت بازداشت‌کننده، مسئول رفتار با اسیران جنگی است (کنوانسیون سوم ژنو، ماده ۱۲، بند ۱). این امر که اسیران جنگی، زندانیان دولت محسوب می‌شوند، با این واقعیت مرتبط است که از قرن هجدهم مخاصمه‌های مسلحانه دیگر نبرد انسان علیه انسانی دیگر تلقی نمی‌شود، بلکه مخاصمه‌ای بین یک دولت با دولت دیگر است. در عمل، تأثیر این اصل دوگانه است: نخست آنکه برای حمایت از اسیران جنگی مورد استفاده قرار می‌گیرد و نباید به اقدامات خودسرانه سربازان دشمن که آن‌ها را به اسارت می‌گیرند، توجه شود. حتی اگر جان آن‌ها تا چند دقیقه پیش از اسارت در معرض خطر قرار داشت، اسیرکنندگان اجازه ندارند آن‌ها را اسیر شخصی تلقی کنند و رفتاری خودسرانه با آنان داشته باشند. این اصل که اسیران جنگی اسیران دولت محسوب می‌شوند، مبنای مسئولیت در رفتار با آن‌ها نیز تلقی می‌شود (Fisher, 2016: 427). قدرت بازداشت‌کننده متعهد است از ارگان‌های خود بخواهد از قواعد حقوق بین‌الملل درباره رفتار با اسیران جنگی پیروی کنند و همچنین باید اجرای این قواعد را تضمین کند؛ بدون توجه به هرگونه رفتار نامناسب توسط تک‌تک سربازان در هنگام به اسارت گرفتن یا برخورد با اسیران جنگی. بر اساس حقوق بین‌الملل قدرت بازداشت‌کننده مسئول رفتار با اسیران جنگی است. بدین ترتیب بر اساس اصول مسئولیت بین‌المللی

می‌توان در زمینه رفتار متخلفانه ارگان‌های دولت، علیه قدرت بازداشت‌کننده طرح دعوی کرد.

۲-۵. تأمین امکانات زندگی برای اشخاصی که آزادی‌شان سلب شده است

وظیفه تأمین خوراک و پوشاک اسرای جنگی از اصول دیرپای حقوق بین‌المللی عرفی است که در کد لیر^۱ اعلامیه بروکسل و دستورالعمل آکسفورد مورد تأیید قرار گرفته است. این موضوع در دستورالعمل لاهه نیز تدوین شده است و هم‌اکنون به موجب کنوانسیون سوم ژنو قابل‌اعمال است (دستورالعمل لاهه، ماده ۷؛ کنوانسیون سوم ژنو، مواد ۳۵-۳۲). در کنوانسیون چهارم ژنو مواد ۷۶، ۸۵، ۸۷ و ۹۲-۸۹ مفاد این قاعده نسبت به غیرنظامیانی که در نتیجه درگیری‌های مسلحانه آزادی آنان سلب شده، نیز قابل‌اعمال است. قطعنامه حمایت از اسرای جنگی مصوب بیست‌ویکمین کنفرانس بین‌المللی صلیب سرخ در سال ۱۹۶۹ این موضوع را به رسمیت شناخته است که صرف‌نظر از مفاد کنوانسیون سوم ژنو، «جامعه بین‌المللی، پیوسته بر رفتار انسانی نسبت به اسرای جنگی... شامل تأمین غذا و مراقبت‌های پزشکی، تأکید کرده است» (بیست‌ویکمین کنفرانس بین‌المللی صلیب سرخ، قطعنامه یازدهم). رویه بیانگر آن است که تأمین نیازهای اولیه افراد محروم از آزادی با در نظر داشتن امکانات موجود و شرایط محلی باید کافی باشد. پروتکل الحاقی دوم مقرر می‌دارد حد تأمین نیازهای اولیه «همانی است که برای غیرنظامیان محلی قابل تأمین است» (پروتکل الحاقی دوم، ماده ۵، بند ۱، ب).

چنان‌که در قضیه *آلکسوفسکی*^۲ در برابر دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق، فقدان نسبی مواد غذایی را ناشی از کمبودهای دوران جنگ که ناظر به همگان بوده است، دانسته و مراقبت‌های پزشکی اگرچه احتمالاً در شرایط عادی غیرکافی تشخیص داده می‌شدند، اما چنین نظر داده است که بازداشت‌شدگان مورد بحث از مراقبت بهداشتی در دسترس برخوردار بوده‌اند. بر اساس رویه، چنانچه قدرت‌هایی که افراد بازداشت‌شده را در اختیار دارند، قادر به تأمین نیازهای اولیه افراد بازداشتی نباشند، باید به سازمان‌های بشردوستانه اجازه دهند به جای آنان این کمک‌ها را ارائه کرده و بازداشت‌شدگان حق دارند از امدادهای فردی و گروهی در این موارد بهره‌مند شوند. حق دریافت محموله‌های امدادی از سوی کنوانسیون‌های سوم و چهارم ژنو و پروتکل الحاقی دوم به رسمیت شناخته شده است (کنوانسیون سوم ژنو ماده ۷۳-۷۲، کنوانسیون چهارم ژنو مواد ۷۶ و

۱. Lieber Code

۲. Aleksovski Case

۱۰۸-۱۰۹، پروتکل الحاقی دوم، بند ۵ (۱)، ج). زنانی که آزادی‌شان سلب شده است باید جدا از مردان در اماکن جداگانه نگهداری شوند؛ به استثنای خانواده‌ها که به صورت خانوادگی اسکان داده شده و باید تحت نظارت مستقیم زنان قرار داشته باشند. دولت بازداشت‌کننده اسیران جنگی مکلف است نگاهداری آنان را به رایگان فراهم آورد و معالجه طبی را که وضع مزاجی آن‌ها اقتضا دارد، رایگان تأمین کند (کنوانسیون سوم ژنو، ماده ۱۵).

۲-۶. بستن دست‌وپای اسیران جنگی

در کنوانسیون سوم ژنو به صراحت نیامده است که آیا می‌توان پس از به‌اسارت‌گرفتن اسیران جنگی، دست‌وپای آن‌ها را بست؟ هیچ‌شکی وجود ندارد که به‌عنوان قاعده‌ای کلی، بستن اسیران جنگی در اردوگاه‌ها ممنوع است. معیارهای دیگری نیز ممکن است در بستن سربازان در صحنه نبرد قابل‌اعمال باشد، زیرا نخستین هدف توقیف سربازان باید ممانعت از فرار یا تخریب تجهیزات باشد. شلیک به اسیران جنگی برای جلوگیری از فرارشان مجاز است. در این صورت می‌توان استدلال کرد بستن سربازان نیز منطبق با کنوانسیون سوم ژنو است.

مهم‌ترین استدلال علیه امکان بستن اسیران جنگی در جبهه جنگ را می‌توان تعهد قدرت بازداشت‌کننده در مراقبت از اسیران جنگی دانست. از آنجاکه اسیران جنگی معمولاً نیازمند آزادی حرکت در جبهه جنگ برای درمان‌ماندن از خطرات هستند، مانند پناه‌گرفتن در برابر استفاده از تسلیحات، بستن آن‌ها می‌تواند نقض این قاعده تلقی شود که نباید اسیران جنگی را پیش از آنکه از جبهه جنگ تخلیه شوند، هدف خطرهای غیرضروری قرار داد.

۲-۷. تعهد به آزاد کردن اسرای جنگی در صورت نبود تأمین جانی

آن دسته از اسیران جنگی را که به علت شرایط غیرطبیعی جنگ نمی‌توان در منطقه نگه داشت، باید آزاد کرد. در این حالت نیز باید تمامی احتیاط‌های ممکن صورت پذیرد تا ایمنی آن‌ها تضمین شود (پروتکل الحاقی اول، ماده ۴۱، بند سوم). ماده ۴۱ پروتکل الحاقی اول، مطالب مهمی را به کنوانسیون سوم ژنو درباره رفتار با اسیران جنگی اضافه کرده است. تعهد به آزاد کردن یا بازگرداندن در جریان مخاصمه مسلحانه در کنوانسیون سوم ژنو محدود به اسیران آسیب‌دیده و بیمار است و به شرایط فیزیکی اسیران جنگی بستگی دارد. در مقابل، ماده ۴۱ پروتکل الحاقی اول بدون توجه به شرایط

جسمی اسیران جنگی اعمال می‌شود. اگر به علت غیرممکن بودن تخلیه، نتوان حفظ جان اسیران را تضمین کرد، باید آزادشان کرد؛ از این رو ماده ۴۱ پروتکل الحاقی اول به وظیفه تخلیه و مراقبت از اسیران بر اساس ماده ۱۹ کنوانسیون سوم ژنو، مسئولیت بیشتری را می‌افزاید.

در کنفرانس دیپلماتیکی که در آن پروتکل‌های الحاقی مورد بحث و مذاکره قرار گرفتند، به اسارت گرفتن سربازان توسط کماندوهایی که پشت خطوط دشمن عمل می‌کردند، نمونه بارز شرایطی دانسته شد که شرایط غیرطبیعی جنگی مندرج در ماده ۴۱ اعمال خواهد شد. نه عبارت‌های به‌کاررفته و نه موضوع و هدف ماده ۴۱ پروتکل اول نشان نمی‌دهد دامنه آن محدود به این نوع وضعیت‌ها می‌شود. درست است که ماده ۴۱ پروتکل را باید قاعده‌ای استثنایی تلقی کرد، با وجود این، هر زمان که تخلیه به علت شرایط جمعیتی غیرممکن می‌شود، اسیران باید آزاد شوند. واژه شرایط غیرطبیعی جنگ می‌تواند شامل شرایط ناشی از یک وضعیت جنگی معمولی نیز باشد که در آن شرایط آب‌وهوایی مراقبت یا تخلیه اسیران جنگی در مدت زمان طولانی‌تر را غیرممکن می‌سازد.

۲-۸. تأمین جانی اسرای جنگی پس از آزادی

«قدرت اسیرگیرنده» مسئول تضمین رفتار انسانی و احترام به اسیران جنگی است، ملزم است اسیران سالم و مجروح را تحت مراقبت قرار دهد، و در شرایط انسانی همانند نیروهای مسلح متبوع خود، آنان را به مناطق امن و سپس به بازداشتگاه‌های دائمی منتقل کند (داعی، ۱۳۸۷: ۶۶).

وظیفه ناشی از ماده ۴۱ پروتکل الحاقی اول صرفاً از طریق عمل آزادکردن محقق نمی‌شود. ایمنی اسیران جنگی پس از آزادکردن آن‌ها نیز باید مورد توجه قرار گیرد. مشخص نیست انجام چه اعمال خاصی را باید انتظار داشت. برخی معتقدند بر اساس حقوق بین‌الملل باید مقادیر کافی مواد غذایی و آب در اختیار اسیران جنگی قرار گیرد تا بقایشان تضمین شود. با وجود این اگر مواد غذایی یک واحد کماندویی برای عملیات طولانی ضروری باشد، بند ۳ ماده ۴۱ پروتکل الحاقی اول را نباید به گونه‌ای تفسیر کرد که برخی از این ملزومات در اختیار اسیران جنگی آزادشده قرار گیرد (Fisher, 2016: 427).

۲-۹. الزام قدرت بازداشت‌کننده به تدارک اردوگاه موقت

در کنوانسیون سوم ژنو دو نوع اردوگاه موقت پیش‌بینی شده است. نخست اردوگاه‌هایی که قدرت بازداشت‌کننده اجازه دارد برای اسکان موقت اسیران جنگی و پیش از آنکه به اردوگاه‌های دائمی

منتقل شوند، بر اساس بند ۳ ماده ۲۰ به وجود آورد. دسته دوم اردوگاه‌های موقتی هستند که در ماده ۲۴ بیان شده است. این اردوگاه‌ها دارای تأسیسات دائمی هستند که اسیران جنگی را پیش از آنکه به اردوگاه‌های دیگر برده شوند، در خود جای می‌دهند (Fisher, 2016: 427). اردوگاه‌های موقت پابرجا باید معیارهای ماده ۲۰ کنوانسیون سوم ژنو را که برای تمامی اردوگاه‌ها پیش‌بینی شده‌اند، دارا باشند (ن.ک: بند ۷۱۴). به علت شرایط حمل و نقل و موقت بودن اردوگاه‌ها که بند ۳ ماده ۲۰ به آن پرداخته است، مقررات مفصل‌تری در این زمینه اعمال نمی‌شود. باوجوداین باید تضمین شود همانند جنگ جهانی دوم، از این اردوگاه‌ها به‌عنوان اردوگاه‌های دائمی استفاده نمی‌شود.

البته آنچه در عمل رخ می‌دهد، معمولاً بسیار متفاوت از مقررات پیش‌بینی شده در کنوانسیون‌های بین‌المللی است. برای مثال، در جریان جنگ ایران و عراق، نیروهای دشمن پس از دستگیری، اسیران جنگی را بدون سرپناه زیر آفتاب نشانده و حتی از دادن آب به آن‌ها نیز دریغ می‌ورزیدند، سپس نظامیان عراقی با گرفتن دست‌وپای اسیران ایرانی آنان را به داخل خودروهای نفربر پرتاب کرده و به پادگانی نظامی در شهرک تنومه (نزدیک شلمچه و در فاصله ۳۰ کیلومتری بصره) منتقل می‌کردند. در آنجا اسیران را در اتاق‌های ۱۰×۵ زندانی می‌کردند. بسته به تعداد اسیران گاهی ۱۵۰ تا ۱۷۰ نفر را در یک اتاق حبس می‌کردند، بدون اینکه آب یا غذایی به آن‌ها بدهند یا به وضعیت مجروحان رسیدگی کنند (اکبری، ۱۳۸۳: ۲۲).

۱۰-۲. برخورداری از وضعیت اسیر جنگی حتی با ارتکاب جنایت جنگی

ماده ۸۵ کنوانسیون سوم ژنو مقرر می‌دارد اسیران جنگی به علت اعمال ارتكابی پیش از اسارت، از مزایای کنوانسیون محروم نمی‌شوند؛ یعنی اگر کسی که به اسارت گرفته شده است، پیش‌تر مرتکب جرمی - حتی جنایت جنگی هم شده باشد - او را از حق برخورداری از وضعیت اسیر جنگی محروم نمی‌سازند. بدین ترتیب قدرت بازداشت‌کننده اجازه ندارد با این توجیه که سربازان دشمن به فعالیت‌های جنگی غیرقانونی پرداخته‌اند، وضعیت اسیر جنگی بودن آن‌ها را منکر شود. در جریان جنگ دوم خلیج فارس در سال ۱۹۹۱، عراق از اعطای وضعیت اسیر جنگی به خلبانان متحدین که به اسارت این کشور درآمده بودند، به این دلیل که جنایتکاران جنگی هستند، خودداری می‌کرد (اکبری، ۱۳۸۳: ۴۷). این اقدام از دید حقوق بشردوستانه مورد پذیرش نیست.

کنوانسیون ۱۹۲۹ حاوی هیچ ماده‌ی روشنی درباره‌ی وضعیت جنایتکاران جنگی به اسارت گرفته‌شده

نمود. پس از جنگ جهانی دوم دادگاه‌های متفقین از اعطای وضعیت اسیر جنگی به سربازان آلمانی و ژاپنی خودداری کردند و علت آن وضعیت حقوقی مبهم بود. ماده ۸۵ کنوانسیون سوم ژنو مقرر می‌دارد اسیران جنگی به علت اعمال ارتكابی پیش از اسارت، از مزایای کنوانسیون محروم نمی‌شوند. بدین ترتیب قدرت بازداشت‌کننده اجازه ندارد با این توجیه که سربازان دشمن به فعالیت‌های جنگی غیرقانونی پرداخته‌اند، وضعیت اسیر جنگی بودن آن‌ها را منکر شود. در مناصم‌های متعددی پس از جنگ جهانی دوم، به همین دلیل وضعیت اسیر جنگی انکار شد؛ یعنی افرادی که به علت ارتكاب جنایات جنگی یا جنایات علیه بشریت محکوم می‌شدند، نباید از حمایت کنوانسیون سوم ژنو برخوردار می‌شدند (Fisher, 2016:428). امروزه این شرط، غیرمجاز دانسته می‌شود. بیشتر صاحب‌نظران معتقدند حتی رزمندگانی که آشکارا مرتکب جنایت جنگی شده‌اند، پیش از آنکه به اسارت گرفته شوند، حق دارند از مزایای کنوانسیون سوم ژنو استفاده کنند. ماده ۴۴ پروتکل اول الحاقی سال ۱۹۷۷ با بیان اینکه اطمینان‌نداشتن درباره وضعیت اسیران باید به نفع‌شان تفسیر شود، این قاعده را تقویت می‌کند. در صورت اجرای صحیح مقررات مربوط به آثار حقوقی ناشی از حق شرط‌های غیرقابل قبول و رفتار با اسیران جنگی پس از محکومیت، کاستی‌های ناشی از حق شرط‌هایی همانند حق شرط شوروی نسبت به ماده ۸۵ کنوانسیون سوم ژنو، کاهش می‌یابد. در مثالی دیگر، در جریان جنگ دوم خلیج فارس در سال ۱۹۹۱، عراق در بدو امر از اعطای وضعیت اسیر جنگی به خلبانان متحدین که به اسارت این کشور درآمده بودند، خودداری می‌کرد.

۱۰-۲. حق شکایت از کیفیت اسارت

اسیران جنگی حق دارند نسبت به کیفیات اسارت که در حق آنان معمول است، به مقامات نظامی که آن‌ها را اسیر کرده‌اند، عرض حال بدهند. همچنین بدون هیچ‌گونه محدودیتی حق دارند به وسیله معتمد و یا چنانچه لازم بدانند مستقیم به نمایندگان دول حامی مراجعه و موارد شکایت خود را نسبت به کیفیت اسارت‌شان ابراز کنند. نباید عرض حال‌ها و این شکایت‌ها را محدود کرد یا جزء سهمیه مکاتبات موضوع ماده ۷۱ شمرد، بلکه باید به سرعت به مقصد برسد. همچنین نباید موجب هیچ‌گونه تنبیهی برای شاکی شود؛ حتی اگر بی‌اساسی آن معلوم شود. معتمدین می‌توانند در فواصل معین، گزارش‌هایی درباره وضع بازداشتگاه‌ها و احتیاج‌های اسیران جنگی به نمایندگان دول حامی

ارسال دارند (کنوانسیون سوم ژنو، ماده ۷۸).

۱۱-۲. ممنوعیت قتل اسرای جنگی

مطابق مقررات بشردوستانه بین‌المللی، این حق متقابلی است که اگر سرباز دشمن سلاحش را بر زمین گذاشت و تسلیم یا ازکارافتاده تلقی شد، نباید کشته یا مجروح شود یا مورد حمله قرار گیرد.^۱ منع قتل افراد غیرنظامی پیش از این در کد لیبر مورد شناسایی قرار گرفته بود. قتل غیرنظامیان و اسرای جنگی در اساسنامه دادگاه نظامی بین‌المللی نورنبرگ نیز جنایت علیه بشریت شناخته شده بود. ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های ژنو، «اعمال خشونت نسبت به حیات اشخاص به‌ویژه ارتکاب قتل از هر نوع که باشد» را علیه غیرنظامیان و افراد خارج از صحنه نبرد، منع کرده است. کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو «قتل عمدی» اشخاص تحت حمایت را نقض فاحش کنوانسیون می‌داند. همچنین منع قتل به‌عنوان یکی از تضمین‌های اساسی، در پروتکل‌های الحاقی ۱ و ۲ به رسمیت شناخته شده است. به موجب اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در هر دو دسته درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی و غیربین‌المللی، قتل جنایت علیه بشریت شناخته می‌شود. در اساسنامه‌های دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و رواندا و همچنین دادگاه ویژه سیرالئون نیز به همین صورت است.

همچنین این دستور که نباید هیچ‌کسی زنده باقی بماند، منع شده است و تهدید طرف مخالف با این دستور یا راه‌اندازی عملیات نظامی بر این مبنا ممنوع است (پروتکل الحاقی اول، ماده ۴؛ مقررات لاهه، ماده ۲۳). بر اساس اصول حقوق بشر، قتل غیرنظامیان و افراد خارج از صحنه نبرد منع شده است، هرچند این امر در قالب عبارات‌های دیگری بیان شده است. معاهده‌های حقوق بشری، «سلب خودسرانه حق حیات» را منع کرده‌اند.^۲ دیوان بین‌المللی دادگستری در نظر مشورتی خود در قضیه سلاح‌های هسته‌ای اظهار داشت: «معیار تشخیص سلب خودسرانه حق حیات را باید به واسطه قوانین خاص قابل‌اعمال یا قانون قابل‌اعمال در درگیری‌های مسلحانه که برای تنظیم رفتار در جریان

۱. برگرفته از قرارداد‌های چهارگانه ژنو و پروتکل‌های الحاقی مشترک.

۲. بیانیه‌های مطرح در برابر دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه سلاح‌های هسته‌ای و اندونزی.

درگیری‌های وضع شده است، به دست آورد.^۱ کمیسیون امریکایی حقوق بشر نیز حقوق بین‌المللی بشردوستانه را به‌عنوان روشی در تفسیر حق حیات در جریان درگیری‌های مسلحانه، مورد استناد قرار داده است (کمیسیون امریکایی حقوق بشر، قضیه ۱۱/۱۳۷ آرژانتین). در سایر موارد، نهادهای حقوق بشری در ارزیابی اینکه آیا حق حیات در جریان درگیری‌ها نقض شده یا خیر، مستقیم و بدون رجوع به حقوق بین‌المللی بشردوستانه، به حقوق بشر استناد کرده‌اند (کمیسیون افریقایی حقوق بشر و مردم، سازمان آزادی‌های مدنی علیه چاد؛ کمیسیون امریکایی حقوق بشر، قضیه ۶۷۲۴ السالوادور؛ قضیه ۱۰/۱۹۰ السالوادور، و قضیه ۲۸۴/۱۰ السالوادور).

در مثالی دیگر از نقض موارد گفته‌شده، می‌توان به سرکوب اعتراض اسیران ایرانی به شیوه‌های ظالمانه و خشن و استفاده از سلاح گرم علیه آنان، اشاره کرد.^۲ مقامات عراقی در رفتار با زندانیان جنگی آشکارا مواد فوق را نقض می‌کردند و بی‌رحمی را به آنجا می‌رساندند که شماری از سربازان اسیرشده را اعدام و مجروحان را در میدان جنگ رها می‌کردند؛ حتی در مواردی - بنا به گزارش آزادگان - به آن‌ها تیر خلاص می‌زدند (کیهان، ۱۳۶۹: ۵). شاهد این مدعا اسارت شهید تندگویان و تعدادی از مسئولان وقت وزارت نفت جمهوری اسلامی ایران است که به شهادت شهید تندگویان پس از تحمل ده سال اسارت انجامید.^۳ اگر نظامیان عراقی مطمئن یا مظنون می‌شدند که رزمنده ایرانی پاسدار است، یا در همان خط مقدم جبهه او را به قتل می‌رساندند و یا در بغداد وی را از دیگران جدا می‌کردند و دیگر خبری از سرنوشت وی به دست نمی‌آمد.

تکرار این‌گونه اقدامات که جنایت جنگی و از شدیدترین نوع موارد نقض عمده کنوانسیون سوم محسوب می‌شود، قرینه‌ای بر سیستماتیک و گسترده بودن موارد نقض است (داعی، ۱۳۸۷: ۷۶). رژیم عراق در این زمینه نیز بسیاری از قواعد و مقررات بین‌المللی را نقض کرد. این رژیم نه تنها بر رفتار سربازان خود در مناطق جنگی و زندان‌بانان بازداشتگاه‌ها و زندان‌ها نظارت نداشت، بلکه در بسیاری از موارد با صدور احکام رسمی اقدام به ضرب و جرح و حتی اعدام اسیران جنگی ایرانی می‌کرد.

یکی از خشن‌ترین و ضدانسانی‌ترین احکام رسمی که توسط صدام حسین دیکتاتور سابق عراق

۱. دیوان بین‌المللی دادگستری، قضیه سلاح‌های هسته‌ای، نظریه مشورتی.

۲. ICRC Report on Visit to Prisoner of War [Camp Mosul 1, 2, 21 & 22, January 1983].

۳. Report of a Mission, Op.cit.

در زمینه کشتار اسیران ایرانی وجود دارد، به «فرمان روزانه شماره یک صادر شده از طرف فرمانده کل نیروهای مسلح» معروف است. در این فرمان آمده است:

هریک از پاسداران که به اسارت گرفته می‌شوند، باید کشته شوند.

هر فردی که از حزب دموکرات به اسارت گرفته می‌شوند، باید کشته شوند.

هر کمونیستی که با نیروهای ایرانی دستگیر گرفته می‌شود، باید کشته شود.

هر فردی که با نیروهای ایرانی همکاری می‌کند و به اسارت گرفته می‌شود، به جرم خیانت به

نژاد عرب باید کشته شود (الدیلی، ۱۳۷۲: ۱۰۲).

۱۲-۲. ممنوعیت استفاده از اسرای جنگی به عنوان سپر انسانی

طبق اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی «توسل به حضور یک غیرنظامی یا سایر اشخاص مورد حمایت به منظور آنکه نقاط، مناطق یا نیروهای نظامی معینی را در برابر اجرای عملیات نظامی مصون سازد»، ارتکاب جنایت جنگی در حوزه درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی محسوب می‌شود (اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، ماده ۸ (۲)، ب، ۲۳).

در سال ۱۹۹۰ و ۱۹۹۱ موضوع استفاده از اسرای جنگی و غیرنظامیان به عنوان سپر انسانی از سوی عراق مورد محکومیت گسترده قرار گرفت و ایالات متحده اعلام کرد این عمل جنایت جنگی به شمار می‌رود. استفاده از اسرای جنگی به عنوان سپر انسانی در جریان جنگ جهانی دوم موضوع محاکمه‌های جنایات جنگی در دادگاه نظامی بریتانیا در قضیه دانش‌آموز^۱ در «لونه‌برگ» در سال ۱۹۴۶، و در دادگاه نظامی ایالات متحده در قضیه محاکمه فون لیب فرماندهی عالی در سال ۱۹۴۸ در نورنبرگ بود. در قضیه کارادزیچ و ملادیچ^۲ در سال ۱۹۹۵ در برابر دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق، متهمان به دلیل استفاده مأموران حفظ صلح سازمان ملل متحد به عنوان سپر انسانی، به ارتکاب جنایت جنگی متهم شدند. دیوان در بررسی کیفرخواست‌ها، این اتهام را وارد دانست. در بررسی کیفرخواست‌های این قضیه، دیوان مواردی همچون محافظت فیزیکی یا نگاه‌داشتن نیروهای حافظ صلح در محل اهداف هوایی ناتو از جمله در محل انبار مهمات، ایستگاه رادار و مرکز ارتباطی را به‌رغم میل باطنی‌شان، استفاده از «سپر انسانی» دانست.

۱. Student Case

۲. Karadzic and Mladic Case

۱۳-۲. ممنوعیت در معرض عموم قرار دادن اسرای جنگی

به دنبال وقوع حوادثی در جریان جنگ جهانی دوم برای مثال قضیه موسوم به اسن لینچینگ^۱ به صراحت به این مسئله در سال ۱۹۴۹ اشاره شد؛ بنابراین نمی‌توان اسیران جنگی را از میان خیابان‌های یک شهر عبور داد با این هدف که مورد حملات خشونت‌آمیز یا تهدید قرار گیرند. حوادثی از این دست در طول مخاصمه‌های قرن بیستم بسیار رخ داده است. برای مثال در جریان جنگ جهانی دوم، اسیران جنگی فرانسوی در شهرهای آلمان و در جریان جنگ ویتنام خلبانان متحدین در هانوی به نمایش گذاشته شدند. همچنین در جریان جنگ دوم خلیج فارس، خلبانان اسیرشده متحدین در خیابان‌های بغداد نیز در معرض تماشای عموم قرار گرفتند.

امروزه با کمک فناوری‌های مدرن می‌توان تصاویر اسیران جنگی را تقریباً هم‌زمان به سراسر جهان مخابره کرد، همان‌طور که در چند نوبت در جریان جنگ دوم خلیج فارس رخ داد. پخش تصاویری توسط تلویزیون عراق که در آن خلبانان متحدین مجبور شده بودند سخنانی علیه کشورهای خود بزنند و همچنین پخش تلویزیونی مصاحبه با اسیران جنگی عراقی بلافاصله پس از اسارت، به‌درستی نقض ماده ۱۳ کنوانسیون سوم ژنو به شمار می‌آید (Fisher, 2016: 429). عراقی‌ها نیز اسرای ایرانی را در خودروهای روباز و زیر آفتاب داغ ساعت‌ها در خیابان‌های شهرهای بین راه در معرض تماشای مردم قرار می‌دادند (روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۰).

۱۴-۲. ممنوعیت مقابله به مثل در زمینه اسرای جنگی

کنوانسیون سوم ژنو ممنوعیت مطلق مقابله به مثل علیه اسیران جنگی را مقرر کرده است و هیچ استثنایی در این اصل وجود ندارد. حتی شدیدترین موارد نقض کنوانسیون سوم ژنو توسط طرف مقابل به قدرت بازداشت‌کننده، حق نقض ممنوعیت مقابله به مثل را نمی‌دهد. برخلاف سایر کنوانسیون‌های بین‌المللی، کنوانسیون سوم ژنو مشمول اصل تقابل تعهدات نیست. این امر در ماده ۱ بیان شده است که طی آن طرف‌های معظم تعهد کرده‌اند در تمامی شرایط به کنوانسیون سوم ژنو احترام بگذارند. بدین ترتیب نقض مقررات کنوانسیون را نمی‌توان با استناد به تعرض به آن توسط طرف مقابل توجیه کرد. با وجود این، نقض ممنوعیت آشکار و صریح مقابله به مثل بارها در مخاصمه‌ها

۱. The Essen Lynching Case, Trial of Erich Heyer and six Others Before British Military Court, reprinted in Friedman, Vol. 11, 1482-6.

رخ داده است و این ممنوعیت از سال ۱۹۴۹ مورد بی‌اعتنایی قرار گرفته است. برای مثال، در جنگ ایران و عراق هر دو دولت تلاش کردند برخی اقدامات را با استناد به نقض مقررات توسط طرف مقابل توجیه کنند. چنین به نظر می‌رسید که عملکرد طرف‌های منخاصمه، مبتنی بر مفاهیم تقابل تعهدات و مقابله به مثل است (روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۰). از سوی دیگر، جنگ دوم خلیج فارس ثابت کرد مقررات کنوانسیون سوم ژنو را می‌توان حتی در صورت شدیدترین موارد نقض نیز رعایت کرد؛ چراکه به دنبال بدرفتاری آشکار با خلبانان متحدین و نمایش آن‌ها در تلویزیون عراق، ستادهای فرماندهی نیروهای ائتلاف آشکارا بر این امر تأکید کردند که کنوانسیون سوم ژنو را در مورد سربازان عراقی رعایت خواهند کرد. بدین ترتیب در جریان جنگ زمینی، نیروهای ائتلاف با سربازان عراقی بر اساس کنوانسیون سوم ژنو رفتار کردند.

۱۵-۲. ممنوعیت شکنجه و رفتار غیر انسانی برای کسب اطلاعات

تفتیش و بازجویی اسیران جنگی به منظور شناسایی هویت‌شان مجاز، ولی غارت اموال، کسب اطلاعات نظامی یا شکنجه‌شان ممنوع است (داعی، ۱۳۸۷: ۶۷). اسیر جنگی در موقع تحقیق مکلف نیست جز نام و نام خانوادگی، تاریخ تولد و شماره خود و (در صورتی که شماره نداشته باشد چیزی شبیه آن) موضوع دیگری را اظهار دارد. چنانچه آگاهانه از این قاعده تخلف کند، ممکن است از نظر امتیازهایی که به اسیران هم‌درجه یا هم‌وضع او داده می‌شود، مورد محدودیت‌هایی قرار گیرد. هیچ‌گونه شکنجه بدنی یا روحی و هیچ‌گونه فشاری نباید به اسیران جنگی وارد آید تا از آنان اطلاعاتی به دست آورده شود. اسیرانی که از دادن اطلاعات خودداری کنند، نباید مورد تهدید یا دشنام قرار گیرند، یا در معرض ناراحتی و سلب مزایا - از هر نوع - واقع شوند. اسیران جنگی که به علل جسمانی یا فکری قادر به ابراز هویت خود نباشند، به اداره بهداری تسلیم خواهند شد. هویت این اسیران به هر وسیله ممکن، با رعایت قیود و شرایط بند بالا معلوم خواهد شد. بازجویی از اسیران جنگی باید به زبانی که بفهمند، به عمل آید (کنوانسیون سوم ژنو، ماده ۱۷).

همچنین هرگونه شکنجه جسمی، روانی یا هر شکل دیگر از اعمال فشار به اسیران جنگی با هدف کسب اطلاعات از آن‌ها ممنوع است. نمی‌توان اسیران جنگی را که از پاسخ‌گویی خودداری می‌ورزند، مورد تهدید قرار داد، به آن‌ها توهین کرد یا هرگونه رفتار نامناسب یا نابرابری را با آن‌ها

داشت (کنوانسیون سوم ژنو، ماده ۱۷، بند ۴). بازجویی باید به شیوه‌ای صورت گیرد که اسیر جنگی بتواند به پرسش‌های مطرح شده پاسخ گوید؛ بنابراین باید زبانی برای بازجویی انتخاب شود که اسیر آن را درک کند. اگر اسیر جنگی به هیچ زبان دیگری جز زبان مادری خود صحبت نکند یا متوجه نشود، زبان انتخاب شده باید زبان مادری او باشد. هرگونه اجبار و اکراه از سوی بازجوها به منظور کسب اطلاعات از اسیران جنگی ممنوع است. ماده ۱۷ به صراحت استفاده از شکنجه جسمی و روانی را به عنوان اقدامات اجبارکننده منع می‌سازد. همچنین اجبار جسمی که به حد شکنجه نمی‌رسد، معمولاً ممنوع است.

۱۶-۲. ممنوعیت مجازات دسته‌جمعی

هیچ‌کس را نمی‌توان به دلیل ارتکاب جرمی محکوم کرد؛ مگر بر اساس مسئولیت کیفری فردی. به هر تقدیر، منع مجازات دسته‌جمعی حوزه وسیع‌تری را شامل می‌شود، زیرا این ممنوعیت تنها ناظر بر ضمانت‌های جزایی نیست. بلکه نسبت به «ضمانت‌های اجرایی و آزار و اذیتی که به هر دلیل واقع شود، اعم از رفتارهای اداری یا اعمال پلیس و غیر آن، اعمال می‌شود» (Sandoz and others, 1987).

ممنوعیت مجازات‌های دسته‌جمعی در مقررات لاهه و کنوانسیون‌های سوم و چهارم ژنو بیان شده است (کنوانسیون سوم ژنو، ماده ۸۷، بند سوم). این ممنوعیت در پروتکل‌های الحاقی اول و دوم نیز به عنوان ضمانت‌هایی اساسی برای تمامی غیرنظامیان و افراد خارج از صحنه نبرد، مورد شناسایی قرار گرفته است (پروتکل الحاقی اول، ماده ۷۵ (۲)، د). تحمیل «مجازات‌های دسته‌جمعی» در گزارش کمیسیون مسئولیت که پس از جنگ جهانی اول تأسیس شد، به عنوان جنایت جنگی مورد توجه قرار گرفته بود. ماهیت عرفی این قاعده که پیش از این و در جریان جنگ جهانی دوم اعمال شد، از سوی دادگاه نظامی رم در قضیه پریبکه^۱ در سال ۱۹۹۷ نیز مورد تأیید قرار گرفت. این قید که تحمیل مجازات دسته‌جمعی جنایت جنگی است، در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی رواندا (ماده ۴، ب) و دادگاه ویژه سیرالئون نیز دیده می‌شود. در قضیه دلالیچ^۲ دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق اظهار داشت حبس یا اقامت اجباری موضوع ماده ۷۸ کنوانسیون چهارم ژنو، اقدامی استثنایی است که ممکن نیست هیچ‌گاه بر مبنای جمعی مورد استفاده قرار گیرد. با توجه به اینکه

۱. Priebke Case

۲. Delalic Case

تنبیه‌های عمومی مسبوق به سابقه بوده و در ارتش‌های دنیا اجرا می‌شده است، کنوانسیون مقرر می‌دارد: هرگونه مجازات دسته‌جمعی برای اعمال انفرادی و تنبیه بدنی و حبس در اماکنی که از روشنایی روز محروم باشد و به‌طورکلی هرگونه شکنجه و قساوت ممنوع است. از این گذشته، دولت بازداشت‌کننده نمی‌تواند هیچ اسیر جنگی را از درجه خود محروم سازد یا از حمل‌علامات آن جلوگیری کند (کنوانسیون سوم ژنو، ماده ۸۷).

۱۷-۲. ممنوعیت بازداشت اسیر جنگی پس از خاتمه جنگ

اسیران جنگی بلافاصله پس از ختم مخاصمه‌های عملی آزاد می‌شوند و به کشورشان بازگردانده خواهند شد (کنوانسیون سوم ژنو، ماده ۸۷). مقررات لاهه بر الزام به بازگرداندن اسرای جنگی در اسرع وقت پس از برقراری صلح، تصریح کرده است (مقررات لاهه، ماده ۲۰). کنوانسیون سوم ماده ۱۱۸ ژنو آزادی و استرداد بدون تأخیر اسرای جنگی را پس از توقف مخاصمه‌های فعال الزامی می‌داند. طبق ماده ۱۳۲ کنوانسیون چهارم ژنو، هر فرد بازداشت‌شده به مجرد رفع موجبات بازداشت، باید آزاد شود (کنوانسیون چهارم ژنو، مواد ۱۳۳-۱۳۲). «تأخیر غیرموجه در استرداد اسرای جنگی یا غیرنظامیان» نقض فاحش پروتکل الحاقی اول محسوب می‌شود (پروتکل الحاقی اول، ماده ۸۵، ۴، ب). تکلیف اساسی استرداد فوری اسرا پس از خاتمه درگیری‌های فعال، در دیگر معاهدات نیز به رسمیت شناخته شده است.^۱

این قاعده نسبت به اشخاصی که دادرسی علیه آنان در جریان است و همچنین افرادی که به طور قانونی و در ارتباط با مخاصمه مسلحانه، محکوم شده و دوران محکومیت خود را سپری می‌کنند، اعمال نمی‌شود. این موضوع در تعدادی از موافقت‌نامه‌ها نیز بازتاب یافته است؛^۲ از این رو افرادی که بنا به دلایلی به حکم قانون محکوم شده‌اند و دوران محکومیت‌شان را سپری می‌کنند، ممکن است پس از خاتمه درگیری‌ها همچنان در حبس باقی بمانند، ولی باید مشمول عفو شوند؛ مگر آنکه به ارتکاب جنایت جنگی محکوم شده باشند.

طبق کنوانسیون چهارم ژنو، هیچ‌یک از افراد بازداشت‌شده اعم از زن و مرد، به کشوری که «ظن

۱. پروتکل توافقنامه اتمام جنگ و استقرار صلح در ویتنام درباره استرداد کارکنان نظامی تحت بازداشت و غیرنظامیان خارجی و کارکنان تحت اسارت و بازداشت، مواد ۶-۴.

۲. توافقنامه طرفین درگیر در بوسنی و هرزگوین در خصوص آزادی و انتقال اسرا، ماده ۳ (۱).

آن می‌رود که به واسطه اعتقادهای سیاسی یا مذهبی مورد آزاد و شکنجه قرار گیرند، منتقل نمی‌شوند (کنوانسیون چهارم ژنو، ماده ۴۵، بند ۴). کنوانسیون سوم ژنو قید مشابهی ندارد. از سال ۱۹۴۹ رویه‌ای شکل گرفته است که در هر استرداد که کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، نقش میانجی بی‌طرف را در آن ایفا می‌کند، طرف‌های درگیر در مخاصمه مسلحانه بین‌المللی یا غیربین‌المللی، شرایط و ضوابط کمیته بین‌المللی صلیب سرخ را برای مشارکت پذیرفته‌اند، از جمله اینکه کمیته بین‌المللی صلیب سرخ بتواند پیش از استرداد (و یا آزادی در مورد درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی)، از طریق مصاحبه محرمانه با اشخاص ذی‌ربط، این موضوع را بررسی کند که آیا ایشان مایل به بازگشت (یا آزادی) هستند یا خیر؟^۱

نتیجه‌گیری

سرگذشت حیات انسان آمیخته با مخاصمه و خونریزی بوده است و عده‌ای از قربانیان این درگیری‌ها، در دست طرف مقابل گرفتار می‌شوند و نام اسیر به خود می‌گیرند. اسیران جنگی که در دستان طرف غالب و پیروز هستند، قرار است زندگی سختی را تحمل کنند؛ از این‌رو باید دید چنین کسی در دستان دشمن چگونه باید از موجودیت و حیات و سلامتی خود محافظت کند. اسیری که گرفتار دشمن شده است، از هر نظر تحت تسلط کشور بازداشت‌کننده است و می‌توان بر این عقیده بود که در کوچک‌ترین مایحتاج خویش به‌شدت نیازمند دشمن خود است. چنین شرایطی زندگی را با مشکلات عدیده‌ای برای فرد مواجه می‌سازد.

تجربه‌های جنگ‌های جهانی و درگیری‌های پراکنده دیگر در سراسر دنیا فعالان حقوق بشر و حقوق بشردوستانه را بر آن داشت تا برای کاهش درد، رنج و آلام قربانیان جنگ چاره‌ای بیاندیشند و تا جایی که ممکن است تحت حاکمیت اصول و قواعد حقوق بشردوستانه، حقوقی را برای اسرای جنگی پیش‌بینی کنند. نتیجه این تلاش‌ها در کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو تجلی یافت و حقوق آسیب‌دیدگان جنگ از جمله اسیران، مجروحان، غیرنظامیان، کودکان، زنان و پیران مورد تصویب قرار گرفت. از میان کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو، کنوانسیون سوم به‌طور خاص به حقوق اسرای جنگی می‌پردازد که در این نوشتار به بخشی از آن اشاره شد. حقوقی که در این کنوانسیون پیش‌بینی

۱. توافقنامه ابعاد نظامی استقرار صلح، ضمیمه پیمان دیتون (Dayton)

شده است، مجموعه کاملی از اصول و قواعد حقوق بشردوستانه است که در صورت اجرا، بسیاری از مشکلات و مشقات اسیران از بین رفته یا دست کم کاهش می‌یابد. آنچه در این نوشتار به‌عنوان حقوق اسرای جنگی مورد بررسی قرار گرفت، تنها حقوق عمده و اساسی اسیران جنگی بود، درحالی‌که حقوق پیش‌بینی‌شده در کنوانسیون سوم ژنو بسیار بیش از این است و با جزئیات بیشتری به زندگی فرد زندانی در اردوگاه اسارت پرداخته است. بررسی جزئیات حقوق اسرای جنگی فرصت و مجال دیگری می‌طلبد که امید است در آینده محقق شود.

فهرست منابع

قرآن کریم.

- اکبری، رحمت‌الله (۱۳۸۳)، خاطرات بازداشتگاه ۱۲ و ۱۸ عراق، تهران: رسانش.
- امانی‌زاده، علی‌اصغر (۱۳۹۳)، بررسی وضعیت اسرای ایرانی در اردوگاه‌های عراق، تهران: چاپ دوم.
- آزادی، افشین؛ ترابی، محمد و حیدرپور، ماشاء‌الله (۱۳۹۹). «جمهوری اسلامی ایران و فضای مجازی؛ راهکارهایی برای حل چالش‌ها»، فصلنامه مطالعات دفاع مقدس، سال ششم، شماره ۳.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶)، سلسله بحث‌های فلسفه حقوق بشر، قم: اسرا.
- خاطرات فراموش‌نشده روزهای اسارت در اردوگاه‌ها، روزنامه کیهان، ۴ مهر ۱۳۶۹.
- داعی، علی (۱۳۸۷)، نقض حقوق اسیران جنگی ایرانی و مسئولیت بین‌المللی دولت عراق، تهران: انتشارات پیام آزادگان، چاپ اول.
- الدیلی، قصار (۱۳۷۲)، اسراری از درون ارتش عراق، مترجم: حمید محمدی، تهران: انتشارات حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
- رشید، احمد (۱۳۵۳)، اسلام و حقوق بین‌الملل عمومی، مترجم: حسین سیدی، ناشر: دانشگاه تهران، انتشارات مرکز مطالعات عالی بین‌المللی.
- رضایان، مهرداد (۱۳۸۳)، حقوق بین‌الملل ناظر بر نحوه هدایت مخاصمات (مجموعه کنوانسیون‌های لاهه و برخی اسناد بین‌المللی دیگر)، تهران: نشر سرسم.
- روحانی، علیرضا (۱۳۹۲)، قواعد اساسی حقوق بشردوستانه و مقررات مربوط به اسیران جنگ در نظام بین‌المللی حقوق بشردوستانه و اسلام، تهران: نشر میزان.
- زیبایی نژاد، مریم (۱۳۹۸). «احیای انگاره‌های مهم هویتی در پرتو انقلاب اسلامی ایران»، فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی، دوره ۸، شماره ۲۹، صص ۱۸۷-۲۰۶.
- سلیمی، عبدالکریم (۱۳۸۲)، نقش اسلام در توسعه حقوق بین‌الملل، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- شفیعی، محمد (۱۳۸۳)، «بررسی مشروعیت دخالت‌های بشردوستانه از دیدگاه حقوق بین‌الملل»، مجله حقوقی، شماره ۲۰.
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۶۳)، حقوق بین‌الملل عمومی، تهران: کتابخانه گنج دانش، چاپ دوم.
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۸)، حقوق بین‌الملل عمومی، تهران: انتشارات گنج دانش، چاپ ۳۶.

ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۹۲)، حقوق بین‌الملل بشردوستانه، تهران: انتشارات گنج دانش، چاپ دوم.
ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۹۳)، حقوق بین‌المللی مخاصمه‌های مسلحانه (حقوق جنگ)، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، چاپ سوم.

عباسی، مجید (۱۳۹۵)، «نظریه اسلامی حقوق بشردوستانه و صلح بین‌المللی با تأکید بر کرامت ذاتی و ارزش انسان»، پژوهش‌های سیاست اسلام، سال چهارم، شماره دهم، پاییز و زمستان.
علیزاده، سیمین (۱۳۹۶)، سیر تکاملی حقوق اسرای جنگی در اسلام و حقوق بین‌الملل، تهران: انتشارات قانون‌یار، چاپ اول.

کاظمی، پریسا و بشیری، اکبر (۱۳۹۸). «سازوکارهای تضمین حقوق بنیادین بشر در نظام حقوقی عمومی ایران»، دو فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، دوره ۸، شماره ۱۶، بهار و تابستان.

گرین‌وود، کریستوفر (۱۳۹۵)، سیر تحول حقوق و مبنای حقوق بشردوستانه، فصل اول: حقوق بشردوستانه در مخاصمه‌های مسلحانه، مترجم: دکتر حسین شریفی طرازکوهی، تهران: انتشارات شهر دانش.

گزارش رئیس کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، روزنامه اطلاعات، شماره ۱۶۵۷۲، آبان ۱۳۶۰.
مجاهدی‌فر، محسن (۱۳۸۶)، جایگاه حقوق بشردوستانه در اسلام در مقایسه با حقوق بشردوستانه بین‌المللی، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد دانشگاه تهران.

مصاحبه با آزادگان بازگشته از عراق و لحظات پرشور دیدار از زبان آزادگان و خانواده‌هایشان.

موسوی، سید فضل‌الله (۱۳۹۴)، حقوق بشردوستانه در اسلام و بین‌الملل، تهران: نشر دادگستر، چاپ اول.

مهرپور، حسین (۱۳۸۳)، نظام بین‌المللی حقوق بشر، تهران: نشر میزان.

نصیری، سوناز (۱۳۹۸). «نقش قدرت نرم در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی عراق)»، دو فصلنامه مطالعات قدرت نرم، دوره ۹، شماره ۱.

وکیلی، عباسعلی (۱۳۷۴)، مقاومت در اسارت (خاکریز پنهان)، به کوشش واحد پژوهش ستاد آزادگان، جلد اول.

Fisher, Hourst (2016), *artical of Support for war prisoners*, translated by Mir Shabiz Shafea, from *Humanitarian law in Armed Conflicts*, Edited by professor dieter Fleek.

Greenwood, K. (2016), *The evolution of history and basis of international humanitarian law*, translated by hosain sharifi trazkoochi, from *Humanitarian law in Armed Conflicts*, Edited by professor dieter Fleek.

Sandoz Yves; Swinarski, Christophe; Zimmermann, Bruno (eds.) (1987), *Commentary on Additional Protocols*, ICRC, Geneva, 3055.